

گلشن

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۶ اسفند ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۳۶ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان



۲ برداشت مکانیزه پنبه از کشتزارهای گلستان تدوین شد



۲ چشم انداز اقتصادی علی آباد کتول با تله کابین روشن می شود



۳ سلامت مردم قربانی سهل انگاری نشود



برداشت مکانیزه پنبه از کشتزارهای گلستان



چشم انداز اقتصادی علی آباد کتول با تله کابین روشن می شود



سلامت مردم قربانی سهل انگاری نشود



سرای فرهنگ و رسانه برگزار می کند

دوره می فرهنگی

نشست شانزدهم

گفتنی پیرامون

قابلیت ها . فرصت ها
چالش ها . تهدیدها

مکان: گرگان، خیابان گلپا، کوچه گلبرگ یکم
زمان: سه شنبه ۷ اسفند ۱۴۰۳
ساعت: ۱۸

مرکز آموزش بهوزی دانشگاه علوم پزشکی

یادداشت اول

تنگدستان را دریابیم

با مسوولیت سردبیر

سال، با همه ی تلخی و شیرینی هایش در گذر است، ماه آخر سال است و احوال روزگار با آمدن شکوفه های بهاری دگرگون می شود، زمین و زمان نو می شوند و دنیا به لطف خداوند چهره ی خود را به نسیم خوش نوزد خواهد آراست. آن چنان که جناب مولوی می فرماید:

هر زمان نو می شود دنیا و ما
بی خبر در نو شدن اندر بقا

اما این زیبایی ها و دلبری ها تا زمانی که وضعیت معیشت شهروندان سامان نداشته باشد و اقتصاد خانوار به ساحل امنی نرسیده باشد نمی تواند به چشم شهروندان فقیر و در مانده معیشت بیاید، مردی که بدون کار و در آمد شامگاه با دست خالی به خانه بر می گردد را چه به بهار و تابستان و خزان و زمستان، لقمه ای نان و اندکی خورد و خوراک برای فرزندان می خواهد که نیست، چنین مردی نه می تواند تمشیت زندگی کند و نه در بند تربیت نسل آتی است، زیرا گرفتار معیشت است و منزلت و کرامت برایش شعارهای بی رنگ، ما می دانیم که پیامبر گرمی(ص) اسلام فرموده اند: ایمان با فقر از دست می رود، وقتی صحبت از افول ایمان به میان آید پس مرگ ادب و احترام و ... جای خود دارد، شکم گرسنه است و محتاج نان، نه مشتی شعار عوامانه این و آن . از جانبی دیگر درصد بالای فقیر نسبی در کشور و آمار بالای فقر مطلق به هر دلیل مسوولیت انسانهای شریف و بزرگواری را که مکتب و توانمندی مالی دارند را بیشتر می کند، بخاطر داشته باشیم که حتی اگر دولت ناتوان در سامان دادن معیشت شهروندان باشد باز هم از مسوولیت انسانی ما چیزی کم نمی شود، هر کس هر چه می تواند و هر چه در توان دارد باید به دستگیری هم نوعان خود شتاب کند. به هر روی شوربختانه امسال نیز عید با دستان خالی برای شهروندان ایران می آید، اما در همین تلخی و سختی معیشت نیز می توانیم دست یکی دو خانواده را اگر می توانیم بگیریم و با مساعدتی اندک و همراهی با هموطنانمان خانواده ای را آرامش بخشیم و اگر نمی توانیم یار خاطر باشیم لاجرم دستی را به گرمی بفشاریم و اندک مساعدتی اگر برمی آید دریغ نکنیم.



۸ خاله رحیمه قهرمان قصه های ناتمام



۸ گلستان دارای ۸۵ صندوق خرد برای زنان روستایی است



۷ اقتصاد بیمار و اقشار آسیب پذیر ...



گلستان در آماده باشی



گلستان نیز با تأکید بر افزایش گسترده و شدت بارش ها از دوشنبه گفت: از دوشنبه عصر تا چهارشنبه، بارش برف در برخی نقاط شهری استان نیز محتمل است. همچنین، وقوع یخبندان شبانه از پیامدهای این سامانه بارشی خواهد بود.

توصیه های ایمنی و آگاهی بخشی به شهروندان

با توجه به پیش بینی های هواشناسی و اقدامات انجام شده، به شهروندان گلستانی توصیه می شود از سفرهای غیرضروری در روزهای بارانی و برفی خودداری کنند و در صورت خروج از منزل، تجهیزات لازم مانند زنجیرچرخ، لباس گرم و چراغ قوه به همراه داشته باشند. گلستان با هماهنگی تمام دستگاه های اجرایی و امدادی، آمادگی کامل را برای مواجهه با موج سرما و بارندگی این هفته دارد. اگرچه شرایط جوی پیش رو سرد و بارانی خواهد بود، اما پیش بینی ها نشان می دهد این شرایط به اندازه سال های گذشته بحرانی نخواهد بود. با این حال، همکاری شهروندان در مدیریت مصرف گاز و رعایت توصیه های ایمنی می تواند به کاهش مشکلات و خسارات احتمالی کمک کند.

هوا کم کم سنگین می شود، آسمان خاکستری رنگ، گویی خود را برای زمستانی دیگر آماده می کند. بادهای سرد که از دشت های شمالی می وزند، نوید روزهایی سرد و بارانی را می دهند. گلستان، این سرزمین سبز و پرآوازه، بار دیگر در آستانه رویارویی با موج سرما و بارندگی قرار گرفته است. این بار، داستان متفاوت است. خاطرات سال های ۸۶ و ۹۲، زمانی که سرمای بی امان و یخبندان سنگین، زندگی را برای ساکنان این دیار دشوار کرده بود، هنوز در ذهن ها زنده است. آن روزها، برف های سنگین و سرمای طاقت فرسا، جاده ها را بست، برق را قطع کرد و زندگی روزمره را به چالشی بزرگ تبدیل کرد. اما امسال پیش بینی ها چندان سیاه نیستند. هواشناسان می گویند سرمای پیش رو، هرچند سرد و سخت، اما به آن اندازه شدید نخواهد بود. با این حال، گلستان این بار آماده تر از همیشه است. دستگاه های اجرایی، امدادی و خدمات رسان، مانند سربازانی که پیش از نبرد، سلاح های خود را آماده می کنند، در حالت آماده باش کامل قرار گرفته اند. از جاده ها تا خطوط گاز، از شبکه های برق تا تیم های امداد، همه و همه برای مقابله با هر شرایطی آماده اند.

آمادگی گلستان برای مواجهه با موج سرما و بارندگی هفته آینده

استان گلستان با پیش بینی فعالیت سامانه سرد و بارانی از جمعه گذشته تا پایان هفته جاری، آمادگی کامل خود را برای مقابله با این شرایط جوی اعلام کرده است. با وجود پیش بینی های هواشناسی مبنی بر سرمای قابل توجه و بارش برف و باران، مسئولان استان اطمینان داده اند که شرایط به اندازه سال های ۸۶ و ۹۲ بحرانی نخواهد بود.

وضعیت جوی پیش رو: سرد و بارانی، اما نه بحرانی

محمود محمقلی پور، رئیس اداره

برداشت مکانیزه پنبه از کشتزارهای گلستان تدوین شد

هستند. موسی خانی افزود: ارقام جدید دارای عملکرد بالایی در واحد سطح هستند و اگر کشاورزان تمام مراحل زراعت تحت نظارت کارشناسان متخصص انجام دهند می‌توانند تا ۶ تا هفت تن وش پنبه در هکتار تولید کنند. وی ادامه داد: تغییر در سیاست قیمت‌گذاری پنبه در سال‌های گذشته که با حذف ارز ترجیحی برای واردات این محصول و استفاده از ارز مبادله صورت گرفته، سبب شده قیمت خرید وش پنبه در کشور بالا برود. این امر، سرمایه‌گذاری کشاورزان برای زراعت پنبه را مقرون‌تر کرده است. برای نمونه، در سال کشاورزی جاری، قیمت خرید وش پنبه بالاتر از قیمت تضمینی بوده و قابل رقابت با پنبه وارداتی است. جهاد کشاورزی استان گلستان، برای گسترش طرح ماشینی زراعت پنبه، برنامه‌هایی شامل تامین بخشی از نهاده‌ها، آسان‌سازی استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری (مانند آبیاری قطره‌ای)، نظارت مستمر بر کشتزارها، کنترل و پایش آفات و بیماری‌ها، همراهی بخش خصوصی در استقرار ماشین‌های برداشت وش پنبه، و معرفی ارقام اصلاح‌شده را در برنامه‌ریزی خود قرار داده است. برنامه ابلاغی زراعت پنبه برای سال کشاورزی ۱۴۰۴، زیرکشت این محصول را در سطح ۲۹ هزار هکتار اعلام کرده است. موسی خانی امیدوار است که با توجه به شرایط بازرگانی خوب در خرید وش پنبه و اجرای خدمات حمایتی، به برنامه پیش‌بینی شده دست پیدا کنند. در سال کشاورزی قبل، حدود ۱۵ هزار هکتار زمین در استان گلستان به زیر کشت پنبه رفته بود، که این مقدار به تولید بین ۲۵ تا ۳۰ هزار تن وش پنبه منجر شده بود. استان گلستان، با اقلیم متنوع، زمین‌های کشاورزی مستعد، وجود موسسه تحقیقات پنبه کشور، و استقرار ۹ کارخانه پنبه‌پاک‌کنی و روغن‌کشی، به همراه دو واحد ریسندگی و بافندگی در علی‌آباد ظرفیت‌های بسیاری برای احیای زراعت پنبه دارد. این استان، که روزگاری به دلیل تولید پنبه فراوان شهرت داشت، همچنان به عنوان یکی از استان‌های برتر کشور در زمینه تولید این محصول راهبردی شناخته می‌شود. با اجرای طرح‌های نوین و حمایت تمام‌جانبه استان گلستان به سمت بازگشت طلای سفید خود در حال حرکت است.



معرفی راهکارهای نوین برای احیای صنعت پنبه‌کاری در استان پرداخت و گفت: در حال حاضر، برداشت وش پنبه در کشتزارهای استان به صورت دستی انجام می‌شود و این روش، علاوه بر کاهش کارایی، باعث می‌شود لیاف غریبه ناشی از استفاده از پیش‌دامن‌های دارای لیاف پلاستیکی و کیسه‌های پلاستیکی در جمع‌آوری محصول کیفیت پنبه را در کارخانه‌ها کاهش دهد که این موضوع، یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در زنجیره تولید پنبه است. وی تأکید کرد: مشکلی در معرفی ارقام مناسب برای اجرای طرح جدید زراعت پنبه در استان وجود ندارد در این راستا، ارقام داخلی مانند سلجلی، حکمت و تابان که در کنار ارقام وارداتی قابلیت برداشت ماشینی را دارند، برای معرفی به پنبه‌کاران استان آماده شده‌اند. این ارقام، به دلیل ویژگی‌هایی همچون صرفه‌جویی ۲۵ تا ۳۰ درصدی در آب زراعی (کاهش یک مرحله آبیاری)، زودرس بودن، مقاومت به تنش‌های خشکسالی و گرما، و حتی مقاومت به شوری خاک، مناسب‌ترین گزینه‌ها برای شرایط استان گلستان

خصوصی نیز نقش مهمی در تأمین ماشین‌آلات لازم برای برداشت مکانیزه ایفا کرده است. وی به مزایای برداشت مکانیزه وش پنبه اشاره کرد و گفت: با اجرای این طرح، روش‌های قدیمی برداشت دستی که همراه با مشکلات متعددی مانند وجود لیاف غریبه بود، به تدریج کنار گذاشته می‌شود در نتیجه، کیفیت لیاف پنبه به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد و محصول نهایی مناسب‌تر برای استفاده در صنایع پیشرفته خواهد بود. رییس اداره پنبه و دانه‌های روغنی جهاد کشاورزی گلستان بیان کرد: این پروژه نه تنها به بهبود کیفیت محصول کمک می‌کند، بلکه با کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی، به پایه‌ریزی برای توسعه صنعت پنبه در استان گلستان می‌انجامد و به عنوان نمونه‌ای از کشاورزی پیشرفته و حرفه‌ای شناخته می‌شود. استان گلستان که در گذشته به دلیل تولید پنبه فراوان به سرزمین طلای سفید شهرت داشت، در حال حاضر با چالش‌هایی همچون روش‌های قدیمی برداشت دستی و وجود «الیاف غریبه» در محصول مواجه است. موسی خانی به نحوه مقابله با این چالش‌ها و

رییس اداره پنبه و دانه‌های روغنی جهاد کشاورزی استان گلستان گفت: برنامه‌های جدید برای برداشت مکانیزه پنبه در ۲ هزار هکتار از کشتزارهای زیرکشت این محصول در سال زراعی جاری طراحی شده که هدف آن، کاهش هزینه‌ها، افزایش سرعت عملیات و بهبود کیفیت محصول است. به گزارش روابط عمومی، علی موسی خانی به معرفی یک طرح نوین در زمینه توسعه زراعت پنبه در استان گلستان پرداخت و اظهار کرد: این طرح که برای نخستین بار توسط سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان و با همکاری بخش خصوصی آماده اجرا شده، دارای اهداف گسترده‌ای در حوزه کشاورزی و اقتصاد منطقه است. وی بیان کرد: این طرح با هدف تبدیل کردن پنبه به محصول راهبردی منطقه طراحی شده و بر اساس معیارهایی همچون سازگاری با اقلیم منطقه، اجرای الگوی کشت پیشرفته، کاهش هزینه تولید، افزایش درآمد کشاورزان، بهبود عملکرد در واحد سطح و افزایش کیفیت محصول در کارخانه‌ها اجرا خواهد شد. رییس اداره پنبه و دانه‌های روغنی جهاد کشاورزی گلستان به اهمیت ایجاد فرصت‌های شغلی جدید از طریق این طرح اشاره کرد و گفت: هدف این طرح، علاوه بر توسعه کشاورزی، ایجاد شغل برای جوانان منطقه و تقویت اقتصاد محلی است. موسی خانی افزود: با اجرای این طرح، استان گلستان قدمی مهم در راستای کشاورزی پایدار و توسعه صنعتی کشاورزی بر می‌دارد و نمونه‌ای از مدیریت منابع و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود خواهد بود. وی توضیح داد: این طرح که با همکاری بخش خصوصی و با استفاده از دانش و تجربه کارشناسان موسسه تحقیقاتی پنبه در سازمان جهاد کشاورزی طراحی شده، شامل کلیه مراحل از کاشت تا برداشت وش پنبه است. رییس اداره پنبه و دانه‌های روغنی جهاد کشاورزی گلستان گفت: این زنجیره که به صورت کامل مبتنی بر اصول تحقیقاتی و توصیه‌های فنی است، با بازدید مستمر از کشتزارها اجرا می‌شود تا بهترین نتایج به دست آید. موسی خانی به حمایت‌های مختلف در این پروژه اشاره کرد و گفت: در اجرای این طرح، کشاورزان در تأمین بخشی از نهاده‌های لازم برای زراعت پنبه پشتیبانی شدند و علاوه بر این، بخش

چشم‌انداز اقتصادی علی‌آباد کتول با تله‌کابین روشن می‌شود

این پروژه بر اقتصاد استان گلستان، گفت: پروژه تله‌کابین علی‌آباد یکی از پروژه‌های شاخص استان گلستان در کنار پروژه‌هایی همچون پتروشیمی جزیره آشوراده است که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد استان داشته باشد. وی افزود: تمامی مقامات استانی از سیاسی، اجرایی و قضائی پای کار آمده‌اند و با رصد و مدیریت دقیق این پروژه، مسیر اجرای آن را هموار کرده‌اند. تاکنون سه تا چهار سرمایه‌گذار برای این پروژه اعلام آمادگی کرده‌اند و از محل پروژه نیز بازدید داشته‌اند. اسفندیاری‌پور در پایان با تأکید بر اینکه همه موانع و اختلاف‌نظرها برطرف شده، اظهار کرد: تمام مراحل قانونی طی شده و این پروژه به‌زودی وارد مرحله انتخاب سرمایه‌گذار و آغاز عملیات اجرایی خواهد شد. پروژه تله‌کابین علی‌آباد کتول به‌عنوان یکی از مهم‌ترین طرح‌های گردشگری و اقتصادی استان گلستان، پس از سال‌ها پیگیری و رفع موانع، به‌زودی وارد مرحله انتخاب سرمایه‌گذار و آغاز عملیات اجرایی خواهد شد. با تکمیل این پروژه، انتظار می‌رود تغییرات مثبتی در زمینه توسعه گردشگری، ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی در منطقه علی‌آباد کتول و استان گلستان ایجاد شود. مشارکت گسترده مسئولان محلی و استانی در پیگیری این پروژه، نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی و اجتماعی آن برای منطقه است.



دلیل عدم جمع‌بندی نهایی، این اعلام هزینه‌ها کمی به تعویق افتاده است. اسفندیاری‌پور تأکید کرد: پس از اعلام هزینه‌های مطالعاتی، فراخوان برای انتخاب سرمایه‌گذار برگزار خواهد شد تا شرکت مجری به‌عنوان سرمایه‌گذار انتخاب شود و پروژه وارد فاز اجرایی شود. شهردار علی‌آباد کتول با اشاره به اهمیت اقتصادی و تأثیرات مثبت

پیشرفت‌های پروژه تله‌کابین علی‌آباد کتول گفت: این پروژه از سال ۱۳۹۵ آغاز شده و اکنون در مرحله ارزیابی هزینه‌های مطالعاتی پروژه هستیم، افزود: هیئت کارشناسی سه‌نفره‌ای متشکل از کارشناسان رسمی دادگستری مسئولیت اعلام هزینه‌های مطالعاتی را بر عهده دارد. قرار بود این ارزیابی تا پایان بهمن‌ماه به اتمام برسد، اما به

پروژه تله‌کابین علی‌آباد کتول با ورود به مرحله انتخاب سرمایه‌گذار نویدبخش رونق اقتصادی و توسعه گردشگری در این منطقه است و چشم‌انداز روشنی برای آینده اقتصادی علی‌آباد کتول ترسیم می‌کند. به گزارش مهر، پیشینه پروژه تله‌کابین علی‌آباد کتول به سال ۱۳۹۵ بازمی‌گردد، زمانی که ایده احداث این تله‌کابین به منظور توسعه گردشگری و رونق اقتصادی منطقه مطرح شد. در ابتدا، این پروژه با چالش‌های متعددی از جمله اخذ مجوزهای زیست‌محیطی و منابع طبیعی مواجه شد. با این حال، با پیگیری‌های مستمر در سطوح شهرستانی، استانی و ملی، تمامی مجوزهای لازم از مراجع مربوطه اخذ شد. در طول این سال‌ها، پیگیری‌های گسترده‌ای از سوی مسئولان محلی و استانی انجام شد. این پروژه یکی از طرح‌های شاخص استان گلستان به شمار می‌رود و به‌عنوان طولانی‌ترین تله‌کابین شمال کشور معرفی شده است. در این مدت، چندین سرمایه‌گذار برای مشارکت در این پروژه اعلام آمادگی کرده و از محل پروژه بازدید داشته‌اند. با وجود برخی موانع و اختلاف‌نظرها در مسیر اجرای پروژه، تمامی موانع برطرف شده و اکنون پروژه در مرحله ارزیابی هزینه‌های مطالعاتی قرار دارد و به‌زودی پس از اعلام این هزینه‌ها، فراخوان انتخاب سرمایه‌گذار برگزار خواهد شد. ابودر اسفندیاری‌پور با اشاره به



خبر

گلستان قطب اقتصادی شمال کشور می شود



استاندار گلستان با تاکید بر حمایت بی وقفه دولت چهاردهم از سرمایه‌گذاران و تجار و تاکید بر نقش کلیدی سرمایه‌گذاران در رفع معضل بیکاری و ایجاد رونق اقتصادی گفت: با گسترش سرمایه‌گذاری‌ها، علاوه بر بهبود وضعیت اشتغال، گلستان به قطب اقتصادی و توسعه‌ای در شمال کشور تبدیل خواهد شد. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در آیین بهره‌برداری از بزرگترین مجتمع گلخانه‌ای هیدروپونیک شمال کشور در شهرستان گمیشان با تحسین اقدامات سلیمان قره‌قول افزود: این جوان گمیشتانی با احداث بزرگترین مجتمع گلخانه‌ای هیدروپونیک شمال کشور، فرش سبز توسعه را پهن کرد و ما نیز به عنوان خدمت‌گزاران مردم، متعهدیم که برای وی و دیگر سرمایه‌گذاران فرش قرمز پهن کنیم و در تمام مراحل همراهشان باشیم. وی بیان کرد: این مجتمع گلخانه‌ای که با استفاده از فناوری هیدروپونیک اداره می‌شود، علاوه بر افزایش بهره‌وری در تولید محصولات کشاورزی، توانسته است فرصت‌های شغلی قابل توجهی، به‌ویژه برای بانوان مناطق محروم شهرستان گمیشان، ایجاد کند که این کار، گام مهمی در راستای عدالت اجتماعی و توسعه متوازن منطقه است. استاندار گلستان به برنامه‌های این مجتمع در حوزه انرژی خورشیدی اشاره کرد و افزود: در مرحله اول، ۱۵ مگاوات انرژی خورشیدی تولید خواهد شد و در مرحله بعدی نیز ۱۵ مگاوات دیگر به این ظرفیت اضافه می‌شود که این اقدام نه تنها به کاهش مصرف انرژی‌های فسیلی کمک می‌کند، بلکه الگویی برای سایر سرمایه‌گذاران در استفاده از انرژی‌های پاک است. طهماسبی با اشاره به اینکه این پروژه بدون استفاده از منابع بانکی و تنها با تکیه بر توان مالی و خلاقیت سرمایه‌گذار اجرایی شده است، آن را نمادی از قدرت کارآفرینی جوانان ایرانی دانست. وی تأکید کرد: این موفقیت نشان می‌دهد که با عزم و تلاش می‌توان حتی در مناطق کم‌برخوردار نیز تحولات بزرگ ایجاد کرد. استاندار گلستان با بیان اینکه دولت چهاردهم مصمم به حمایت از جوانان خلاق و کارآفرین است، اظهار کرد: با برگزاری نشست‌های متعدد با سرمایه‌گذاران آنان را به سرمایه‌گذاری در گلستان تشویق کرده‌ایم که خوشبختانه این پیگیری‌ها نتیجه داده و سرمایه‌گذاران کشوری نیز اعلام آمادگی کرده‌اند تا در این استان فعالیت کنند. طهماسبی با ابراز امیدواری نسبت به آینده اقتصادی گلستان گفت: دولت تمام تلاش خود را برای جذب سرمایه‌گذاران و تقویت اقتصاد منطقه به کار خواهد بست. وی ادامه داد: این رویداد نه تنها نشان‌دهنده ظرفیت‌های بالای استان گلستان در جذب سرمایه‌گذاری است، بلکه گامی مهم در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار و ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان و زنان مناطق محروم به شمار می‌رود.



سهامدار هواپیما

ابراهیم حسن بیگی

فکر کردم او چقدر از ما حقوق می‌گیرد؟ چقدر بیشتر از ۱۵ میلیون تومان حقوق بازنشسته‌ای مثل من؟ نمی‌دانم. اما چند سال پیش رسانه‌ها نوشتند که اعضای هیأت‌مدیره یکی از کارخانه‌های ما، ماهیانه ۲۲۰ میلیون حقوق می‌گرفته‌اند. نوشته بودند حقوق ۲۲ نفر از اعضای هیأت‌مدیره شرکت ما در یک سال به اندازه حقوق ۲۰۰۰ نفر بازنشسته بوده است. با یادآوری این مطالب حالم بد شد. حس خوب مالکیت‌ام از بین رفت. فکر کردم من سهامدار این هواپیما نیستم، من فقط یک مسافر.

امروز در سفر از گرگان به تهران، سوار هواپیمایی شدم که خود یکی از سهامداران آن هستم. هواپیمایی آسمان که صد در صد سهامش مال ماست. مال ما بازنشسته‌های کشوری. یعنی با پول ما خریداری شده. به همراه بیش از ۱۳۰ شرکت معتبر نفتی و پتروشیمی و بانک‌ها. این همه ثروت از پس‌انداز سی سال خدمت ما فراهم شده. حس خوبی به من دست داد. نشسته بودم داخل هواپیمای خودمان. مهماندار جوانی، در حد نوه‌مان، از ما پذیرایی کرد.

استاندار گلستان هشدار داد:

سلامت مردم قربانی سهل‌انگاری نشود



مردم بانشاطی خواهیم داشت و آمار پرخاشگری‌ها و نزاع و درگیری کاهش می‌یابد. طهماسبی از دبیرخانه مجمع سلامت گلستان خواست اهداف مجمع را به درستی شناسایی کرده و آنها را برای مردم بشکافد و موضوعات را به صورت عملیاتی و با جلب مشارکت مردم پیگیری کند. وی به وجود برخی چالش‌ها در حوزه آرد و نان اشاره کرد و توضیح داد: متأسفانه آرد و نان را یک نوع شغل می‌دانیم و در صدور مجوزها به اهلیت افراد توجه

استاندار گلستان با تاکید بر اینکه نباید در موضوع سلامت مردم سهل‌انگاری کنیم، گفت: دستگاه‌های اجرایی باید به وظایف خود به درستی عمل کنند و بدانند هزینه در حوزه سلامت، اسراف نیست چرا که با کوتاهی نسبت به این بخش، باید اعتبار گزافی صرف بخش درمان شود. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در سومین مجمع سلامت استان گلستان از بی‌توجهی برخی دستگاه‌های اجرایی به حوزه پیشگیری کله کرد و متذکر شد: برخی مدیران و تصمیم‌گیران در حوزه پیشگیری عملکرد مطلوبی ندارند و این ضعف در پیشگیری، هزینه‌های زیادی را به دولت تحمیل می‌کند. استاندار گلستان با تاکید بر اینکه باید فرهنگ صحیح تغذیه و سبک زندگی از سوی رسانه‌ها نهادینه شود، تصریح کرد: فضای مجازی بین مردم گسترش پیدا کرده و استفاده از این بستر برای آموزش تغذیه سالم و ارتقای سلامت مردم اهمیت ویژه‌ای دارد. طهماسبی بیان کرد: کشور سالیانه به ۲۰۰ تخت جدید در حوزه دیالیز نیاز دارد و اگر اقدامات پیشگیرانه مورد توجه دستگاه‌های متولی قرار گیرد شاهد بروز چنین بیماری‌هایی نخواهیم بود. وی از برگزاری سومین مجمع سلامت گلستان پس از چهار سال انتقاد کرد و گفت: از این پس، جلسات این مجمع باید ماهی یک بار برگزار شود و از ظرفیت همه بخش‌ها برای ارتقای سلامت جامعه استفاده گردد. استاندار گلستان گفت: هر چقدر برای سلامت جامعه در بُعد جسمی و روحی و روانی تلاش شود و شاخص سلامت ارتقا یابد جامعه و

کشف ۴۵ فقره سرقت در گنبد کاووس

اقدامات گسترده و طی عملیات‌های جداگانه، ۲۷ سارق شناسایی و دستگیر شدند، افزود: بر اساس تحقیقات صورت گرفته، سارقان به ۴۵ فقره انواع سرقت از قبیل، محتویات خودرو، تجهیزات مخابراتی، منزل... و... اعتراف و برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شدند. جانشین فرماندهی انتظامی گنبدکاووس در پایان عدم رعایت نکات ایمنی را مهمترین عامل سو استفاده سارقان عنوان کرد و گفت: توجه مردم نسبت به هشدارها و توصیه‌های پلیس نقش بسزایی در پیشگیری از وقوع سرقت دارد.

جانشین فرماندهی انتظامی گنبدکاووس از کشف ۴۵ فقره سرقت در این شهرستان خبر داد و گفت: سارقان برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شدند. به گزارش روابط عمومی، غلامرضا کهنساری اظهار کرد: طرح عملیاتی مبارزه با سارقان در سطح شهرستان طی ۲۲ ساعت گذشته توسط پلیس آگاهی به اجرا گذاشته شد. وی با بیان اینکه در اجرای این طرح با انجام

پرونده را تحت تأثیر قرار دهد. وی افزود: در پی دریافت گزارش مردمی به ستاد خبری حفاظت و اطلاعات دادگستری استان، این موضوع با حساسیت پیگیری و این کارچاق کن پس از اطلاع حفاظت از دریافت یک شمش طلا و پول نقد به عنوان پیش پرداخت، دستگیر شد. رئیس کل دادگستری گلستان ادامه داد: این فرد بازداشت است و پرونده در داندسرای مرکز استان در حال رسیدگی است. این مقام مسئول گفت: با هوشیاری و اقدامات به موقع حفاظت و اطلاعات دادگستری استان امسال ۱۲۵ کارچاق کن در استان، شناسایی و دستگیر شدند.

کارچاق کن طماع هنگام دریافت شمش طلا دستگیر شد

کارمند یکی از دستگاه‌ها که با ادعای نفوذ در دستگاه قضایی، از مردم کلاهبرداری می‌کرد، توسط حفاظت و اطلاعات ارشد دادگستری استان شناسایی و دستگیر شد. به گزارش دادگستری گلستان، حیدر آسیابی اظهار کرد: این فرد در یک پرونده اختلاف ملکی به ارزش ۲۵ میلیارد تومان، با یکی از طرفین پرونده ارتباط گرفته و ادعا کرده بود در ازای دریافت ۵ میلیارد تومان می‌تواند رای

زبان مادری

نخستین بار سازمان یونسکو در ۱۷ نوامبر ۱۹۹۹، روز ۲۱ فوریه (برابر با دوم و گاهی سوم اسفند) را روز جهانی زبان مادری نامید و از سال ۲۰۰۰ این روز، در بیشتر کشورها گرامی داشته می‌شود و برنامه‌هایی هم برای این روز تدارک می‌بینند. یونسکو هم هر سال برنامه‌هایی را در کشورهای مختلف اجرا کرده و دولت‌ها را تشویق می‌کند که زبان مادری اقوام موجود در کشورشان را به رسمیت بشناسند. گلشن‌مهر، به این بهانه و برای ارج نهادن به کوشش شاعران گلستان، این رنگین‌کمان اقوام ایرانی که بنا به بررسی‌ها، ۱۶ گویش از گویش‌های ایرانی در آن تکلم می‌شود، این شماره را به شعر اقوام اختصاص داده است.

اشاره

۲۱ فوریه مصادف با ۲ اسفند ماه توسط سازمان جهانی یونسکو بنام روز جهانی زبان مادری نامگذاری شده است. دلیل نامگذاری روز ۲۱ فوریه بنام روز جهانی زبان مادری، بر می‌گردد به زمانی که در سال ۱۹۵۲، دانشجویان دانشگاه‌های مختلف شهر داکا، پایتخت امروزی کشور بنگلادش که در آن زمان تحت لوای پاکستان بود، جهت ملی کردن زبان بنگالی به عنوان دومین زبان ملی در کنار زبان اردو تظاهرات مسالمت آمیزی در این شهر انجام دادند که به کشته شدن تعدادی از دانشجویان منجر شد. بعد از جدا شدن این کشور از پاکستان، با در خواست، حاکمان جدید از سازمان ملل، برای



سید مهدی جلیلی، دبیر گروه ادبیات

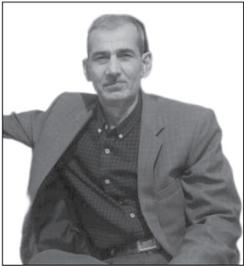
یادداشت اهمیت زبان مادری



منصور طبری، شاعر ترکمن

اهمیت زبان مادری را می‌توان از زبان نلسون ماندلا شنید: «اگر با یک انسان به زبانی که آن را می‌فهمد سخن بگویید، سخن شما به مغزش راه خواهد یافت. اما اگر با انسانی به زبان مادری‌اش سخن بگویید، آن سخن به قلب او نفوذ خواهد کرد» علم تدریس زبان مادری در هر کشوری، یکی از علت‌های از دست دادن هویت است. طبق آمار یونسکو، هر ساله چندین زبان مادری از بین می‌رود. زبان، همیشه آخرین سنگر برای دفاع از هویت واقعی یک ملت و یک قوم است. شما تا زبان باز نکنی، هیچ‌کس تشخیص نمی‌دهد که فارسی هستی، تورکمن هستی، عرب هستی، کرد هستی یا بلوچ. زبان، اصلی‌ترین شاخصه‌ی هویت یک فرد است. به طور طبیعی زبان مادری، زبانی است که کودک در رحم مادرش آنرا احساس می‌کند. با او متولد می‌شود، با این زبان، کم کم رشد می‌کند، بازی می‌کند، با همسن و سال‌های خود شاید دعوا هم بکند، احساساتش را با پدر و مادرش شریک می‌شود و بطور خلاصه زبان مادری یعنی ارتباط بین مغز، قلب و دهن کودک است، که در وجود او ریشه دارد. یک تورکمن ممکن است لباس یک کرد را بپوشد و زبانش را هم یاد بگیرد ولی هرگز کرد نمی‌شود و بالعکس. یک تورکمن در هر لباس و دین و مذهب هم باشد، همان تورکمنی است که از شکم مادرش زاده شده است. چرا می‌گویند تورکمن‌ها شیعه، تورکمن‌های سنی یا تورکمنهای مسیحی؟ چون با زبان تورکمنی متولد می‌شوند و به آن قوم تعلق دارند. البته در کنار زبان مادری، می‌توان زبان‌های دیگر را نیز آموخت. همان‌گونه که ما تورکمن‌ها، زبان فارسی را به‌خوبی آموخته‌ایم. زبان رسمی یک کشور ممکن است زبان مادری بسیاری از افراد آن جامعه باشد که در این صورت برای آنها مشکلی در زمینه زبان وجود نخواهد داشت ولی برای دیگر اقوامی که در آن جامعه زندگی می‌کنند می‌تواند مشکلات روحی، اجتماعی و فرهنگی بوجود بیاورد، مخصوصاً از دست دادن هویت قومی و اصالت فرهنگی. بنابراین، این زبان‌های مادری، به حمایت دولتها و مسئولین دلسوز، نیاز مبرم دارد. هویت هر کس با زبان مادری‌اش گره خورده و غفلت از زبان مادری، غفلت از شخصیت انسانی، اجتماعی و فرهنگی است. راهکار آن، آموزش زبان تورکمنی در مدارس مناطقی که تورکمنها در آنجا ساکن هستند می‌باشد. همچنین طرحی که در دانشگاه‌های منطقه مینی بر ۲ واحد اختیاری ریخته شد، خوب است ولی کافی نیست. تنها گزینه‌ی مؤثر، که اگر روزی از طرف مسئولین دلسوز و محترم اجرا شود، همان آموزش زبان مادری اقوام در مدارس، در کنار زبان فارسی است. اصل ۱۵ قانون اساسی کشور عزیزمان، اعلام می‌دارد که: «خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.» به نظر من این قانون، در مورد آموزش زبان اقوام، بسیار شفاف توضیح داده است. ولی در مورد اینکه چرا تاکنون اجرا نشده، باید عرض کنم که کشورمان دارای مشکلات دیگری هم هست که باید به آن رسیدگی شود. فعلاً اقتصاد و معیشت مردم در اولویت قرار دارد و باید صبر کنیم، البته حرکت‌های مثبتی هم در این زمینه از قبیل دو واحد اختیاری زبان اقوام در دانشگاه‌های منطقه صورت گرفت که نشانه‌ی آمادگی مسئولان محترم جهت حل این مشکل هستند، هر چند زمانی طولانی صرف شود، باید صبر کرد. اگر اجرا شود، مسلماً حرکت بسیار مثبتی خواهد بود. و بزرگ‌ترین دستاورد آن نجات زبان اقوام از نابودی و جلوگیری از بی‌هویتی شدن اقوام جامعه و افزایش سلامت روحی و فرهنگی مردم و افزایش امید برای آینده‌ای روشن. مسلماً تمام اقوام احساس خواهند کرد که در اداره کشور سهم هستند.

انه دیلیم



رحمان بردی میناگر، بندر ترکمن

سلام انه دیلیم سلام میراثم
باشنگ دیک عومر قنکیز ابدی بولسون
تا دقنی ه بار سایرا نامئس و عارتم
سؤزلرینگ شمال دی صحراما دولسون
دقنیا نینگ یاشننا بارابار یاشا
ی قزقلر تشنه دیر آرزولار اوزاق
یالنگ شنب بیز سنلن غاپئل بولاساق
گؤزلریمیزن غانلار آقار مۆنگ گزگ
انه دیلیم سین سینگ نامئسئم-عارتم
پیراغی دی ارلر غورادئ سنی
عاصیلار بؤیوندا سانسئر آدم‌لار
تؤپراغئنگ آستئندان سؤرادئ سنی
انه دیلیم دؤکمه گؤز قنگدن یاشنگ
سنی او قاماغا گؤز شیار ایلیم
بلکی بو گؤن دورموش بیزه یار بولسون
گولله سین سایراسن منگ انه دیلیم

ترجمه:

سلام ای زبان مادری ام

سلام ای زبان مادری و سلام ای میراث من!
همیشه سرپلند و عمری ابدی داشته باشی
بلند آوازه باش ای همه چیز من
وصحرایم را با اوها و نغمه هایت لبریز کن
عمرت تا انتهای دنیا پایدار باد
دلها تشنه اند و آرزوها فراوان
چنانچه ما غفلتی از شما داشته باشیم
هزاران بار خون از چشمهای ما فوران خواهد کرد
ای زبان مادریم تو وجود من و همه چیز من هستی
انسانهایی همچون فراغی حافظ و حامی تو بوده اند
و در طول زمان انسانهای بیشمار حتی از زیر خاکها
جویای تو هستند
ای زبان مادریم چشمهایت را اشک آلود نکن
مردم و ملت من در تلاشند تا با تو باشند
به این امید که زمانه با ما یار باشد
پر آوازه و شکوفا باش ای زبان مادری من

صحرامئنگ دانشندان گلدیم سالاما
بیزدن سلام بؤلسون ای اهل غوبور
س فنگنقم غفوشاپ دیلیم گلدی کلاما
بیزدن سلام بؤلسون ای صاحب نور
آق تۇقاي مازارئنگ ایل ساياسئندا
گؤزل افلكام ساقلا، اؤز اياسئندا
طبيعات آرقادئ، دؤز يايلاغئندا
بیزدن سلام بؤلسون ای صاحب نور
غفوشغئنگی اوقامدا چاشئردئ هوشوم
مازارئنگی گؤرؤپ آگیلدی باشئم
ی قزق جؤشوب دؤکدم گؤزؤمدن یاشئم
بیزدن سلام بؤلسون ای صاحب نور
موشداق لائگ گلیب دیر یاقئن دان، داش دان
موشداق دیدارئنگا من ایلکی باشدان
سؤزلرینگ نورانا، دورجا گؤز یاشدان
بیزدن سلام بؤلسون ای صاحب نور
اؤرون تاپدئنگ دقنیا عاقئدلارلاردا
غفوشغولارئنگ ائلخام بریار جؤماردا
اگمان سینگ باشئنگی هیچ بیر ناماردا
بیزدن سلام بؤلسون ای صاحب نور
سؤل یاشنگدا یاشئر آتائنگ آزادی
ماغتمغولی، آدئنگ بیبیک ذوریادی
سبزه باشئن اگن «تورکمن غئر» آدی
بیزدن سلام بؤلسون ای صاحب نور

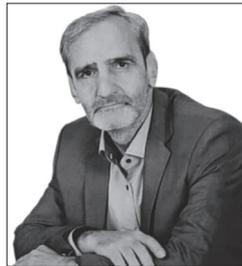
ترجمه:

مختومقلی

راه دوری پیموده‌ام برای دیدارت
بر تو سلام، ای آرمیده در مزار
زبان از بیان کلام، قاصر است
بر تو درود، ای صاحب نور
آقتۇقاي جایگاه ابدیت در سایه‌ی ایل
سرزمین زیبایم، حافظ تو باد
طبیعت سبز صحرایم، وفادار است
بر تو درود ای صاحب نور
کلامت مرا مدهوش خود ساخت
در برابر، سر تعظیم فرود می‌آورم
با جوششی از درون، اشک‌هایم نثار تو باد
بر تو درود ای صاحب نور
یارانت آمدند از دور و نزدیک
من هم شوق دیدار تو داشتم
کلامت پاک است و روشن
بر تو درود ای صاحب نور
مقامت بزرگ است، میان بزرگان
اشعارت الهام دهنده بر دل‌های پاک
هرگز، سر خم نکرده‌ای در برابر نامردان زمان
بر تو درود ای. صاحب نور
در سایه‌ی پدربرت آزادی، آرمیده‌ای
تو فرزندی گرانها برای جهانیان هستی
«دختر تورکمن» راحت را ادامه خواهد داد
بر تو درود ای صاحب نور

شعر اقوام

دو شعر کوتاه کتولی



اسماعیل مزیدی

خُلیندر چشمه نوکیان یادته؟
پای جوزه لب تیرتران یادته؟
چه حرفای خوبی به هم زکردیم
گوتی خوامبته دلبر جان یادته؟
ترجمه:
روستای بیلاقی خلیندر در دره نوکیا یادته؟ (کنایه از محل قرار عاشقی)
پای درخت گردو کنار نودان یادته؟
سر قرار حرف‌های عاشقانه و دلبرانه می‌زدیم
می‌گفتی تو را دوست دارم، عزیزم یادته؟!

زمان بگذشت و عمر ما هابی سر
بیا یه دم بوین حالمه دلبر
برسی سن ما نزدیک شصت و
ته هابی ننه کالان و من پی یر

ترجمه:

زمان گذشت و عمر سپری شد
عزیزم وقت کردی یک حالی از من بگیر
سن من و تو به شصت رسیده (کنایه از گذر عمر)
تو شلدی مادر بزرگ و من هم پدر

ماغتمغولی



امینه طریک (تورکمن غزئی)، بهشهر



ماغمتمغولی آنانگ دۇغولان گفونی اچین



آمان محمد بازيار، گنبد کاووس

سنگ دۇغولان گيجانگ آسمان آيسئزئى سن گۇز اچان گۇنۇنگ، گۇش غايئيدى گۇز يتيم بۇس بۇتيم تۇم غارنگقئلق تۇمراقار اۇزۇنى يئلئز سايبئيدى سنده گلدینگ بۇتيم جاھان ياغئئلىد گۇنئىنگ يۇزۇنلئز سربيلدى پردہ آى غاچئردى آغۇنئاقى ياغماغئز يئلئزلارام دۇغئى دۇغمالى پردہ سن دوغانگدا،خوت لۇورداب دۇغويدئنگ ائشغالانگسئز آسمانئندا بو صأحرانگ يئلئزلان يۇل ياساپ آيا ساتاشئپ نورئنا نور غۇشوپ اقلئرينگ، زۇھرانگ غارغانگ يىلگى دك غارا گيجانجى بۇوسۇپ دۇغان آق سۇيت يالى بير سأحر اوزاقدان دم آئپ گرئندى صأحرا سنگ جاگئيلدینگ بيلن تيسگئيدى شأھر سن شيله گۇچئلى دینگ هم ميلئتىنگ كۇپدى انخالصئنگ آراسسا نيئتىنگ پاكلى ايللر اۇچين آرزولاپدئنگ سن ياغئى قالبئنگ دولى ايمان، آرقانكدا حاقدئ داغ بيگليار، داغا منگرتسم سنى بيلمئديم، سۇنگى داغ بيبك مى، يا سن؟ غودراتئنگ شالازئنگ آرزوسى بولان آى سن پيل بۇيونئى يۇنگ بيله كسن سنگ آجى دورموشئنگ آجى غۇوشانئنگ اولغام بايلرلارئنگ هئيز ياندئنا منگليئنگى آئئرنئپ، هم عابدئللاھكى چكن آھئنگ ياتئز، اؤيم اؤيمده سونگى داغى مۇنگ حاسراتى گۇرسه ده سنگ يانئنگدا آئئقچا يۇق اؤيونئ سنگ چكن دردينگى داغلار داغ بولوپ چكن بولسا آگيلردى بۇيونئ ديبارلر پئراغى آئئنگ توتوپ مۇنگده بير حاسراتى اۇزۇنگ ينگئيسينگ آغئر ائقبائلئنگدان داغلارنى آياپ آغراسئلئقدا آق توقايا سينگئيسينگ آق توقايئنگ بو گون باشى بلئتده يدى غاتئنگ چۇر باشئا ديبرآپ دور نوسغائلق سۇزلرينگ يدى ائقلئمنئنگ دۇرت كۇنئقئنده سنا بۇلۇپ سايرآپ دور

ترجمه:

برای زادروز مختومقلی فراغی

شبی که تو زاده شدی مهتابی نبود در روزی که تو چشم گشودی آفتاب غایب بود افق سرتاسر ظلمت هر کرم شب تابى خود را ستاره مپینداشت تو که آمدی جهان نورانی گشت پردہ از روی خورشید افتاد و ماه نقاب بر انداخت ستارگان نیز هرکدام در جایگاه خود ظاهر گشتند. طلوع تو تابش نوری بود بر ظلمت آسمان این دشت تو از ستارگان جاده ساختی و به ملاقات ماه نایل گشتی و بر روشنایی زهره و زحل افزوده ای در صبح صادقی به سیبیلی شیر شبی به سیاهی پهای کلاغ را شکافتی و این صحرا با نفسی عمیق بیاسود و با جیغ تو شهر بر آشفتم و بخود آمد

چنان نیرومندی و جرات در تو بود با خلوص نیتی پاک خوشبختی را برای تمام مردمان آرزو داشتی پشتوانه ات حق و حقیقت بود و قلبت مالامال از ایمان گر تو را به کوهی تشبیه کنم کوه به وجد آید و بر بلندیش افزون گردد همی ندانم که کوه سونگی داغ بلندتر است یا تو؟! تو که شوکتت همواره آرزوی شاهان بوده ای که تو گردن پیل بمویی زنی بیاد دارد هنوز سر گذشت تلخ تورا تپه‌های ماهور آجی غوشان آهی را که با از دست دادن منگلی و عبدالله کشیدلی میتوان در وجب به وجب این خاک احساس کرد. کوه سونگی داغ با آنکه هزاران حسرت و اندوه بخود دیده، در قیاس با تو چیزی ندیده است دردی که تو کشیدی چنانچه کوهی میکشید لاجرم سرش خم میگشت نامت برند و گویند، هزار ویک اندوه را یک تنه بر دوش کشیدی و فائق گشتی لیک اقبال شوم خویش بر کوهها روا نداشتی با فروتنی در آق توقای آرمیدی

آق توقای امروز مسروراست و مغرور، سر بر فلک هفتم میساید سخنان پند آموز تو اکنون در چهارسوی هفت اقلیم جهان طنین انداز است.

تورکمن یازئنگ



منصور طبری، گنبد کاووس

انانگ عشقئى يۇرک باغئ دۇنيآده اينگ گۇزل دويغئ گۇش كيمين پايلاب سۇيگى صأحرامئزدا سايرآپ گرئنگ تۇرکمن اۇقآپ، تۇرکمن يازئنگ مھير سينگسين جانالارا ائلخام برسین چاغالارا آيدئنگ ايني-آغالارا صأحرامئزدا سايرآپ گرئنگ تۇرکمن اۇقآپ، تۇرکمن يازئنگ

اۇيناپ گۇلسۇن جاقغئلداشئپ اۇلكاميزده ال توتوشئپ چاغا، انه، آتا، اؤيشۇپ صأحرامئزدا سايرآپ گرئنگ تۇرکمن اۇقآپ، تۇرکمن يازئنگ ياز پوداقان، غونچا بۇوسر گۇلزارئندا، گۇللاپ اؤيسر باغدا يايراب، داغدا گرر صأحرامئزدا سايرآپ گرئنگ تۇرکمن اۇقآپ، تۇرکمن يازئنگ عالمغۇشا، چكِر پرياد: هر غۇرجاغاز بير پريزاد ياشاشن لار، ارکين-آزاد صأحرامئزدا سايرآپ گرئنگ تۇرکمن اۇقآپ، تۇرکمن يازئنگ هر اۇغۇلئق بير گۇراؤغلى غئرآت مۇنۇق، كيبى چاغلى چانئى بيلده سردار يالى صأحرامئزدا سايرآپ گرئنگ تۇرکمن اۇقآپ، تۇرکمن يازئنگ

چارباغئنا بارئنگ سيله يادامانى، يۇرتونگ بيله غووانيارئس گلچك نسله صأحرامئزدا سايرآپ گرئنگ تۇرکمن اۇقآپ، تۇرکمن يازئنگ كۇرپه لرى حۇش ائماگه غايغى-غامى داش ائماگه شاد گۇن لرى ياشاتماغا صأحرامئزدا سايرآپ گرئنگ

تۇرکمن اۇقآپ، تۇرکمن يازئنگ تۇرکمن صأحرامئزدا سايرآپ گرئنگ انه ديليم، گۇنۇنگ چۇغلى تۇرکمن ايليم، "تۇرکمن اۇغلى" صأحرامئزدا سايرآپ گرئنگ تۇرکمن اۇقآپ، تۇرکمن يازئنگ

ترجمه:

زبان تورکمنی را پاس بداريم

عشق مادر به دلبند خود، زيباترين احساس در جهان هستى است، و همچون آفتاب، محبت را گسترش مى دهد، در صحرايمان شاد زندگى كنيم، و زبان تورکمنى را پاس بداريم. مهر در وجود عزيزانم رسوخ کند، و الهام بخش کودکانم گردد، و به بزرگترها و کوچکترها بگوئيم:

در صحرايمان شاد زندگى كنيم، و زبان تورکمنى را پاس بداريم. با خنده‌هاى پرشور، شادمانى كنند، در سرزمين خود، دست در دست هم، پدر، مادر و فرزند در کنار يکديگر، در صحرايمان شاد زندگى كنيم، و زبان تورکمنى را پاس بداريم.

از شاخه‌هاى بهارى، غنچه‌ها پديدار مى گردند، در گلزارها، گل هاى زيبا پرورش مى يابند، در باغ‌ها رشد کرده و در کوه‌ها پراکنده مى شونند، در صحرايمان شاد زندگى كنيم، و زبان تورکمنى را پاس بداريم.

زنگين کمان فرياد برمى آورد: دختران پريزاده‌هاى زيبايى هستند، بگذاريد مستقل و آزاد زندگى نمايند، در صحرايمان شاد زندگى كنيم، و زبان تورکمنى را پاس بداريم. پسران، هر کدام يک گۇراؤغلى (قهرمان افسانه‌اى تورکمن)، که سوار بر غرآت (اسب افسانه‌اى گۇراؤغلى) مى تازند، همانند سردار بزرگ چانئى بيل (سرزمين افسانه‌اى گۇراؤغلى)،

در صحرايمان شاد زندگى كنيم، و زبان تورکمنى را پاس بداريم.

در سبزه‌زارها گام برداريد، بدويد، بازى كنيد و استوار باشيد، شما نسل پر افتخار ما هستيد، در صحرايمان شاد زندگى كنيم، و زبان تورکمنى را پاس بداريم.

برای خوشحالی نسل‌هاى آينده، برای دور ساختن غم و اندوه از زندگى، برای ساختن روزهاى خوب و پر اميد، در صحرايمان شاد زندگى كنيم، و زبان تورکمنى را پاس بداريم.

ای تورکمن صحرايم، ای سرزمين غيور مردان، زبان مادري ام، همچون گرمای خورشيد است، ای مردم تورکمن، «ای فرزند تورکمن»، در صحرايمان شاد زندگى كنيم، و زبان تورکمنى را پاس بداريم ...

چند شعر طبری



فهيمه يوسفی، کردکوی

جانم دلبر که بي همیشه ناساز می ايدازه کی بکشيه تنه ناز هارش مره بونين ته خاطر وه خادم شاه بی مه اما توه سرپاز

ترجمه:

محبوب من، حتی اگر شما همیشه یک نگرش سرسخت دارید چه کسی تا به حال عشق شما را به اندازه من خریداری کرده است اگر خوب دقت کنید خواهید دید اگرچه من یک پادشاه هستم، اما مانند یک سرپاز در مقابل شما رفتار می کنم.

مه دل پر کشنه پر تره بی ره خاش وړ نشو جایی ته بی من دوش مه جان دلبر

ترجمه:

دل‌م برای دیندت پر می کشد که دوباره تو را در آغوش بگیرم بدون من هرگز جایی نرو و تا ابد پیش من بمان معشوقم.

مه ره یاده مه گره تو داعی جانه مار منه شو تا سواپی ته خوندستی مو هرشو لالایی عزیز دل ته مه تنها پناهی

ترجمه:

به خاطر دارم لحظاتی که گهواره ام را تکان می دادی مادر عزیزم که از شباهنگام تا صبح بالای بالینم بیدار بودی

و برایم هر شب لالایی می خواندی که فرزند نازنینم تو تنها تکیه گاه من هستی

نمایشن هسته و پنشنیه روزه مه دل تنگه توه یكدم بسوزه ته سنگ قور دس بکشیمه اما ته غم مه سینه سر داغه هنوزه

ترجمه:

وقت غروب است و امروز هم روز پنجشنبه دلم برایت تنگ شده و سر سینه ام می سوزد و مدام سنگ قبر سرد تو را با دست پاک می کنم اما غم تو در سینه‌ام همچنان داغ و تازه است



خاله رحیمه قهرمان قصه‌های ناتمام

اما خاله رحیمه فقط بافنده نبود؛ او یک معلم بود، یک رویاپرداز. ۸۷۰ نفر را آموزش داد که ۳۵۰ نفر با نیازهای ویژه بودند. «در یاد دادن بخیل نیستیم» این جمله‌اش مثل شعاریست که روی سنگ حک شده. از خارج دعوتش کردند که برود و بماند اما به خاطر دخترش ماند. «دخترم رو نمی‌تونم تنها بذارم» زندگی اما به او پشت کرد. شوهرش یک سال در بیمارستان خصوصی بستری شد تا از کما خارج شود. خوب شد اما هزینه‌ها مثل سیل، همه چیز را شستند و بردند، او و ورشکست شد. پسرش، فوتبالیست بود، با پاهایی که می‌توانست زمین را تسخیر کند، اما خاله رحیمه نگذاشت. «رفته بود مشهد بازی کنه. توی روستا، بد می‌دونستن» می‌گوید و اشک توی چشم‌هایش جمع می‌شود، «بچه‌ام رو سوزوند، نمی‌دونستم اینجوری می‌شه» دهه ۷۰ آمد و قانون خروج دام از جنگل، او را هم با خودش بیرون انداخت. اخراج شد، از همان جنگلی که روزگاری تار و پود زندگی‌اش را می‌بافت. دیگر چیزی برایش باقی نمانده بود. شاگردهایش، همان‌هایی که با دست خودش پر و بالشان داد، حالا مغازه دارند، چرخشان می‌چرخد، اما او هنوز توی گل و لای روزگار گیر کرده. «بافت سنتی روستای زیارت از بین رفت» این را می‌گوید و انگار بخشی از وجودش را خاک کرده. با مغازه‌ای خالی و قلبی پر از رویاها. بافندگی سنتی روستای زیارت، مثل ستاره‌ای که خاموش شد، دیگر آن رونق گذشته را ندارد و خاله رحیمه با دست‌هایی که دیگر نخ‌ها را لمس نمی‌کنند، در سکوت به گذشته نگاه می‌کند. ولی خاله رحیمه تسلیم نشد. قلم را برداشت، مثل سوزنی که روزگاری نخ‌ها را هدایت می‌کرد. شعرهای قدیمی، ترانه‌هایی که مادرش زمزمه می‌کرد، خاطراتی که توی سینه‌اش تلنبار شده بود، همه را روی کاغذ آورد. «به درس خوندن علاقه داشتم، ولی نشد». حالا با نوشته‌هایش، دوباره می‌بافت؛ نه با نخ، که با کلمات. توی خیال می‌شود او را دید؛ زنی با موهای سفید، کنار پنجره‌ای که رو به گذشته باز می‌شود، قلم توی دستش و دنیایی که هنوز توی قلبش زنده است. خاله رحیمه، بافنده‌ای که زندگی‌اش را با دست‌های خالی گره زد، هنوز ایستاده. توی مغازه خالی‌اش، توی نوشته‌هایش، توی هر تار و پودی که روزگاری با عشق بافت، هنوز نفس می‌کشد. شاید روزگار رویاهایش را پاره کرده باشد، اما او هنوز با همان نخ‌های شکسته، قالیچه‌ای از امید می‌بافت، برای فردایی که شاید بیاید.



جنس از بافنده‌ها بگیرم» این را با شرم می‌گوید، انگار گناه نکرده‌هایش را به گردن گرفته. وام ۱۵۰ میلیونی بهزیستی، مثل سربانی توی بیابان، قرار بود برسد، اما سال‌هاست که فقط وعده‌اش مانده. «به همه وام می‌دادم»، خنده‌ای تلخ می‌کند، «ولی حالا خودم لنگم»

مثل قلعه‌ای متروک، سوت‌وکور مانده و تنها باد توی دیوارهایش می‌پیچد، با صدایی که گویی از غم‌های او حکایت می‌کند. جهان دورش چرخید و چرخید. از ۳۰ کشور، هر ماه هزار متر جاجیم می‌خواستند، مشتری‌ها صف کشیده بودند، اما جیبش خالی بود. «پول ندارم

در کوچه‌پس‌کوچه‌های غبارگرفته زمان، جایی که صدای دار قالی دیگر به گوش نمی‌رسد و عطر نخ‌های رنگارنگ در باد گم شده، خاله رحیمه نشسته است. دست‌هایی که روزگاری تار و پود زندگی را به رقص در می‌آوردند، حالا سنگین و خسته‌اند، مثل قلبی که هنوز می‌تپد، اما زخم‌هایش را پنهان نمی‌کند. به گزارش ایرنا، صدایش، لرزان و پر از حسرت، قصه‌ای را زمزمه می‌کند که انگار از دل یک جاجیم قدیمی بیرون آمده؛ پر از رنگ، پر از درد، پر از امیدهایی که زیر آواز روزگار مدفون شدند. متولد ۱۳۲۸ است در دل طبیعت گلستان، جایی که رودها زمزمه می‌کنند و جنگل‌ها رازهایشان را زیر سایه درختان کهنسال پنهان می‌کنند. از ۱۲ سالگی با نخ و سوزن بزرگ شد انگار که سرنوشتش با دار قالی گره خورده باشد اما زندگی برایش نه قالیچه‌ای جادویی بافت که در زیر پای شاهزادگان پهن شود، نه جاده‌ای هموار که به قلعه‌ی آرزوها برسد. این قصه رحیمه رحیمی است، زنی که با دست‌های خالی رویاهایش را گره زد، با هر تار و پود، با هر سوزن و نخ و حالا، در سکوت مغازه خالی‌اش در روستای زیارت گرگان، زیر سقفی که بوی چوب و خاطره می‌دهد، هنوز با چشم‌هایی پر از انتظار به فردایی چشم دوخته که شاید هیچ‌گاه نیاید، اما او همچنان در خیالش آن را می‌بیند؛ روزی که دوباره نخ‌ها برقصند و دار قالی زندگی‌اش جان بگیرد. خاله رحیمه را باید توی خیال دید؛ دختری کوچک با موهای بافته، کنار مادرش، در سایه یک دار قالی که زیر نور طلایی خورشید می‌درخشد انگشت‌هایش، تند و تیز مثل رقص پرندگان، نخ‌ها را می‌بافت و توی هر گره، آرزوهایش را پنهان می‌کرد. آرزوی تحصیل، آرزوی پرواز به فراسوی روستا، آرزوی دنیایی که دیگر فقط به دار قالی محدود نشود. طبیعت اطرافش، تالاب‌های درخشان، مراتع سرسبز و نسیم خنک کوهستان، الهام‌بخش نقش‌هایش بود؛ نقش‌هایی که گویی از دل زمین و آسمان سرچشمه می‌گرفتند. مثل افسانه‌ای که از دل طبیعت سر برمی‌آورد. «دهه ۵۰ بیشتر از ۱۰۰ بافنده داشتیم» می‌گوید و چشم‌هاش برق می‌زند، انگار هنوز صورت‌های چروکیده آن پیرزن‌های ۸۰ ساله را می‌بیند که با عشق، پارچه‌ها را زنده می‌کردند. اما زمان، بی‌رحم‌تر از آن بود که فکرش را می‌کرد. «الان کی مونده که ببافه؟» مغازه‌اش پر از شوق بود، شب‌ها پناه مسافرانی که به زیارت می‌آمدند، اما حالا

گلستان دارای ۸۵ صندوق خرد برای زنان روستایی است

با هماهنگی بانک کارآفرین، ۲ میلیارد ریال وام به پنج صندوق پرداخت شد و تلاش می‌شود این مبلغ در سال مالی جاری افزایش یابد. به گفته سلطان علیان، اعضای صندوق‌ها نیز از محل آورده خود به صورت دوره‌ای به یکدیگر وام ارائه می‌دهند. رئیس اداره آموزش و ترویج مدیریت جهادکشاورزی گنبدکاووس هم گفت: تاکنون هفت صندوق خرد زنان روستایی در این شهرستان تشکیل شده و در صورت تقاضا، امکان ایجاد صندوق در هر روستا وجود دارد. سیدحسن حسینی تأکید کرد: آموزش بانوان روستایی که نقش مهمی در تولید محصولات کشاورزی و افزایش درآمد خانوار دارند، از اولویت‌های جهادکشاورزی است. وی افزود: آموزش‌هایی مانند پرورش زنبورعسل، قارچ خوراکی، گیاهان دارویی، مرغ بومی، دام سبک و سنگین، تولید سبزی و صیفی‌جات، و گیاهان گلخانه‌ای و آپارتمانی به بانوان ارائه شده است. بازارچه هفتگی گنبدکاووس یکشنبه‌ها از ساعت هشت صبح تا ۱۴ عصر در ساختمان شرکت تعاونی مصرف کارکنان جهادکشاورزی (واقع در خیابان طالقانی، روبروی مرکز بهداشت) میزبان بیش از ۲۰ نفر از بانوان عضو صندوق‌های خرد روستایی است. محصولات مانند ترشی‌جات، میوه خشک، عسل، گل و گیاهان زینتی، صنایع دستی، پوشاک، نان و شیرینی سنتی، حبوبات، و گیاهان دارویی در این بازار عرضه شدند.



ارگانیک، دریافت سبب سلامت و بازاریابی است. وی افزود: سال گذشته

مدیر هماهنگی ترویج کشاورزی سازمان جهادکشاورزی گلستان گفت: ۸۵ صندوق خرد زنان روستایی در این استان فعال هستند و هر یک از این صندوق‌ها به طور متوسط ۵۰ عضو دارند. به گزارش روابط عمومی، شهربانو سلطان علیان در حاشیه افتتاح بازارچه هفتگی عرضه محصولات بانوان عضو صندوق‌های خرد روستایی در گنبدکاووس اظهار کرد: این بازارچه، پنجمین بازارچه هفتگی در گلستان است و برنامه‌ریزی شده تا به تدریج در تمام ۱۴ شهرستان استان راه‌اندازی شود. وی افزود: فعالیت بانوان در این صندوق‌ها بر اساس ظرفیت‌های تولیدی هر روستا از جمله نوغانداری، صنایع دستی، تولید محصولات سالم و ارگانیک، صیفی‌جات، گلخانه‌داری، زنبورداری، پرورش قارچ خوراکی، گیاهان دارویی، و ماکیان تعریف شده و این فعالیت‌ها به ایجاد شغل برای زنان روستایی کمک می‌کند. سلطان‌علیان ادامه داد: در صورت استقبال بانوان، افزایش تولیدات و همکاری مسئولان محلی مانند فرمانداران، بخشداران و شهرداران برای تأمین مکان مناسب، تلاش می‌شود این بازارچه‌های هفتگی به صورت روزانه فعالیت کنند. مدیر هماهنگی ترویج کشاورزی گلستان همچنین از ارائه آموزش‌های مستمر به اعضای این صندوق‌ها خبر داد و گفت: این آموزش‌ها با هدف توانمندسازی بانوان و تولید محصولات استاندارد و سالم شامل استانداردسازی، تولید محصول